

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 6, Summer 2022, 465-486
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.39746.2492

**The Need for a Social Interpretation
of the Texts of the Shari'a;**

**Critique of Javaid Rehman's Views on the Applicability
of Sharia Rules to the Legal Needs of Modern Society**

Mohammad Moghaddami*

Amir Hosein Khosroabadi, Tavakol Habibzadeh*****

Abstract

Implementing the rules and regulations of Sharia in the legal system of modern governments has always been associated with challenges such as non-compliance with the new rules of human rights. Challenges like these can be seen in the human rights reports of UN rapporteurs. The main concern of the reporters regarding the situation of human rights rules in those countries that seek to implement the rules of Sharia in their legal system seems to be a kind of adaptation and compliance of Sharia rules with human rights principles which is generally referred to as the compatibility of Islamic rules with the needs and requirements of the modern government. In order to achieve a theoretical gap between Muslim legal thinkers and human rights reporters, this study seeks to examine whether the rules of Sharia have

* PhD Student of International Law, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding Author),
moghaddami.m@ut.ac.ir

** PhD Student of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran,
ah.khosroabadi@gmail.com

*** Associate Professor and Head of Department of Public and International Law, Imam Sadiq
University, Tehran, Iran, thabibzadeh@gmail.com

Date received: 07/04/2022, Date of acceptance: 23/07/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

the capacity to adapt to the new needs and requirements of modern governments. For this purpose, this study relies on the descriptive and analytical method of the intellectual foundations of three Muslim thinkers with different approaches and in addition to a critical analysis of Dr. Rahman's article. Finally, it can be concluded that by analyzing the works of two other thinkers, capacities for modeling the adaptation process can be extracted.

Keywords: Javaid Rehman, Human Rights, Convention on the Rights of the Child, Applicability, Sharia Provisions.

ضرورت تفسیر اجتماعی از نصوص شریعت نقد دیدگاه‌های جاوید رحمان در باب انطباق‌پذیری قواعد شریعت بر نیازهای حقوقی جامعه مدرن

محمد مقدمی*

امیرحسین خسروآبادی**، توکل حبیب‌زاده***

چکیده

تطبیق احکام شریعت با قواعد نوین حقوق بشری و پیاده‌سازی آن در نظام حقوقی دولت‌های مدرن با چالش‌هایی نظیر عدم هماهنگی همراه بوده است. چالش‌هایی از این قبیل را می‌توان در گزارش‌های حقوق بشری گزارشگران سازمان ملل متحد مشاهده کرد. دغدغه اصلی گزارشگران نسبت به کشورهایی که به دنبال تطبیق قواعد شریعت در نظام حقوقی خود هستند، انطباق‌پذیری قواعد شریعت با اصول حقوق بشری است؛ که به‌طور کلی از آن به عنوان انطباق‌پذیری احکام اسلامی با نیازها و اقتضائات دولت مدرن یاد می‌شود. در این پژوهش این مسئله واکاوی می‌شود که آیا قواعد شریعت ظرفیت انطباق‌پذیری با نیازهای نوین و اقتضائات دولت‌های مدرن را دارد. از این رو، این پژوهش با تکیه بر روش توصیفی و تحلیلی مبانی فکری سه اندیشمند مسلمان با رویکردهای

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

moghaddami.m@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (ره)، تهران،

ایران، ah.khosroabadi@gmail.com

*** دانشیار و مدیر گروه حقوق عمومی و حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)،

تهران، ایران، thabibzadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱



مختلف (دکتر جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر ایران، محمد باقر صدر و احمد ریسونی) را ارزیابی کرده و علاوه بر بررسی انتقادی مقاله دکتر رحمان تحت عنوان «مذهب، حقوق بشر و حقوق کودک پیچیدگی‌های پذیرش شریعت در رویه دولت‌های مدرن»، به کاستی‌های موجود در نظام‌های مبتنی بر حقوق اسلام نسبت به انطباق‌پذیری قواعد شریعت با نیازها و اقتضائات زمانه اشاره می‌کند.

کلیدواژه‌ها: جاوید رحمان، حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک، انطباق‌پذیری، احکام شریعت.

۱. مقدمه

گزارش‌ها و قطعنامه‌های حقوق بشری امروزه بیش از هر زمان دیگری تحریم اقتصادی، تعارض قوانین و دیگر مشکلات متعدد حقوقی و غیرحقوقی را بر جامعه ایران تحمیل کرده است. در جدیدترین مسئله‌ای که در این خصوص رخ داده است، باید به تصویب قطعنامه حقوق بشری علیه جمهوری اسلامی ایران در نشست هفتاد و ششم مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره کرد که همانند سال‌های پیشین، به موجب آن جمهوری اسلامی ایران به نقض جدی حقوق بشر بر مبنای گزارش گزارشگر ویژه حقوق بشر متهم شده است.^۱

در این مورد تکرار مجموعه‌ای از ایرادات حقوق بشری در گزارش‌های گزارشگران حقوق بشری، علیرغم اینکه همه ساله نهادهای مربوطه در جمهوری اسلامی ایران شفاهاً و کتباً پاسخ‌های عمدتاً منطقی و مستدلی را به آن‌ها ارائه می‌دهند، نشان از عمق چالش می‌دهد. در حقیقت به نظر می‌رسد فقدان مفاهمه میان دو طرف و تفاوت در مبانی، موجب بروز این تکرار اتهامات و یا به عبارت دیگر اختلافات شده است. از این رو در پژوهش حاضر تلاش شده است با فهم دقیق اندیشه دکتر جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر منصوب شورای حقوق بشر در مورد ایران، موضوع انطباق‌پذیری قواعد شریعت را که در مقاله «مذهب، حقوق بشر و حقوق کودک: پیچیدگی‌های پذیرش شریعت در رویه دولت‌های مدرن»^۲ منعکس شده است، مورد نقد و بررسی قرار گیرد تا با توجه به نظرات اندیشمندان مسلمان در این زمینه، خلأ مفهومی موجود میان حقوق دانان ایرانی و گزارشگر حقوق بشر به درستی درک شود.

به این ترتیب در این پژوهش در راستای پاسخ به این سوال مهم که آیا شریعت ظرفیت انطباق پذیری با نیازها و اقتضائات دولت های مدرن را دارد، نظرات سه اندیشمند مسلمان (دکتر جاوید رحمان، احمد ریسونی و شهید محمد باقر صدر) که از دیدگاه های متفاوتی برخوردارند، با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. از این رو در بخش اول، گزارش مختصری از مقاله «مذهب، حقوق بشر و حقوق کودک: پیچیدگی های پذیرش شریعت در رویه دولت های مدرن» ارائه شده است که در حقیقت بازتاب اندیشه دکتر جاوید رحمان در زمینه ظرفیت انطباق پذیری شریعت با نیازها و اقتضائات دولت مدرن است. در بخش دوم نیز تلاش شده است اندیشه احمد ریسونی و شهید محمد باقر صدر پیرامون ظرفیت انطباق پذیری شریعت بیان شود و سپس در بخش سوم نقد های قابل طرح نسبت به دیدگاه دکتر جاوید رحمان مبتنی بر رویکردهای اندیشمندان مزبور مطرح شده است.

در این خصوص، به نظر می رسد با گذشت قرن ها از آغاز شکل گیری اندیشه اسلامی، همچنان سامان دقیقی از مسئله سازگاری قواعد شریعت با مقتضیات اجتماعی جامعه مدرن ارائه نشده است. با این حال نباید این مهم را نیز فراموش کرد که میراث اندیشه نظری فقها و متفکران اسلامی به مثابه چراغ راهنمای این مسیر در اختیار اندیشمندان و پژوهشگران معاصر وجود دارد و به این ترتیب زمینه های نظری آن فراهم شده است و در حال حاضر نیاز به کاربست عملی این اندیشه ها است تا ایده اسلامی انطباق پذیری شریعت با نیازها و اقتضائات دولت مدرن به شکل کامل و مطلوب محقق شود.

۲. مختصری از دیدگاه های جاوید رحمان

مقاله «مذهب، حقوق بشر و حقوق کودک؛ پیچیدگی های پذیرش شریعت در رویه دولت های مدرن»^۳ نوشته دکتر جاوید رحمان در سال ۲۰۱۱ منتشر گردید. دکتر رحمان استاد دانشگاه برونل لندن^۴ است که عمده آثار وی در حوزه مذهب و حقوق بشر منتشر شده است. اهمیت آثار این نویسنده از این جهت است که در سال ۲۰۱۸ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ایشان را به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران انتخاب کرد. ایشان همچنین در سال های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ به عنوان یکی از اعضای کمیته هماهنگی دفتر گزارشگران ویژه حقوق بشر سازمان

ملل فعالیت کرده است که این مسئله بر اهمیت پرداختن به آثار ایشان به عنوان یک پژوهش‌گر در حوزه نظام حقوقی اسلام می‌افزاید.

وی در این مقاله به منظور پرداختن به چالش‌های کاربست قواعد شریعت در پارادایم دولت‌های مدرن به مصادیقی از حقوق کودک می‌پردازد.

به هر ترتیب در این بخش از نوشتار پیش رو تلاش شده است گزارش مختصری از مقاله مزبور ارائه شود تا در مرحله اول فهم دقیقی از اندیشه دکتر جاوید رحمان حاصل شود. در خصوص ساختار مقاله «مذهب، حقوق بشر و حقوق کودک: پیچیدگی‌های پذیرش شریعت در رویه دولت‌های مدرن» لازم به ذکر است که این مقاله در پنج بخش، ابتدا به بیان برخی مقدمات پرداخته؛ سپس ارتباط شریعت با نظام‌های حقوقی مدرن را با هدف ارزیابی انطباق‌پذیری شریعت با قواعد حقوق بشر مورد ارزیابی قرار داده است. در بخش سوم نیز در پرتو کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ تأثیرات متقابل شریعت بر مقررات بین‌المللی مطرح شده است؛ اما در بخش چهارم با رویکردی مصادیقی دو مسئله خاص از حقوق کودک در اسلام یعنی کودک همسری (Child Marriage) و ممنوعیت فرزندخواندگی مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. نهایتاً بخش پایانی همراه با نتیجه‌گیری به ارائه پیشنهاداتی منتهی شده است. در ادامه مختصری از بخش‌های فوق‌الذکر به منظور بیان اندیشه دکتر جاوید رحمان پیرامون ماهیت شریعت و همچنین رابطه آن با نظام‌های حقوقی مدرن بیان خواهد شد.

۱.۲ ارتباط شریعت با نظم اجتماعی مدرن و سازگاری پذیرش آن با قواعد

حقوق بشر

به اعتقاد جاوید رحمان تداوم پافشاری حقوق اسلامی در استناد به اصول شریعت به چالش بزرگی در ارتباط آن با نظام‌های حقوقی بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی تبدیل شده است. او معتقد است چالش‌های مربوط به شریعت فقط به آن دولت‌هایی که به صورت فعالانه مدعی پیاده‌سازی حقوق اسلامی در حقوق داخلی خود هستند، اختصاص ندارد، بلکه این موضوع در دولت‌هایی مثل انگلستان، فرانسه و ایالات متحده امریکا نیز افزایش یافته است چراکه اقلیت‌های مسلمان در چنین جوامعی از جمعیت بالا و تأثیرگذاری برخوردارند.

از این رو، به اعتقاد وی «انطباق قواعد شریعت با قواعد حقوق بشر و رویه‌های اساسی در سطح حقوق داخلی» به مسئله مهمی تبدیل شده است که امروزه دولت‌های مدرن را به شدت درگیر خود کرده است. این در حالی است که در میان آرای محاکم بین‌المللی و نظرات حقوق دانان پیرامون این مسئله رویه واحدی دیده نمی‌شود؛ به نحوی که در برخی از آراء از جمله آراء دیوان اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و دیگر محاکم اروپایی رویکرد حاکم بیانگر ناسازگاری میان شریعت با قواعد حقوق بشری است. به عنوان مثال در پرونده «حزب رفاه و دیگران علیه دولت ترکیه»، دیوان اروپایی حقوق بشر تصریح می‌کند که شریعت با قواعد حقوق بشر ناسازگار است.^۵ اما در طرف مقابل برخی حقوق دانان به صورت جدی از رویکرد سازگاری میان قواعد شریعت با قواعد حقوق بشری حمایت می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به اسقف اعظم کانتربری، دکتر *روان ویلیامز* (*Rowan Douglas Williams*) اشاره کرد که از حمایت جدی از طرف شورای شریعت در نظام حقوقی انگلستان برخوردار بوده است. شورای شریعت یک شورای غیررسمی در انگلستان است که از سال ۱۹۷۰ همکاری جدی در رعایت داوطلبانه قوانین اسلامی در حیطه احوال شخصیه داشته است (Rehman, 2015: 154-157).

۲.۲ کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق کودک و انطباق آنها با شریعت

جاوید رحمان در ادامه به دو کنوانسیون پر حاشیه و پر چالش حقوق کودک و رفع تبعیض علیه زنان می‌پردازد و رویکردهای دولت‌های اسلامی در خصوص برخی ابعاد آن که با مناقشات بسیاری همراه بوده است، را بیان می‌دارد. به طور کلی ایشان عمده مشکلات پیش روی این کنوانسیون‌ها را اولاً در تعداد، ماهیت و همچنین آثار حق شرط‌هایی می‌داند که اکثر دولت‌های اسلامی بر کنوانسیون وارد کرده‌اند؛ که هدف آن‌ها تغییر یا مستثنی کردن اجرای هر ماده‌ای است که در مغایرت با ارزش‌ها و قواعد اسلامی است. ثانیاً برخی از دولت‌های اسلامی عضو کنوانسیون‌های مزبور برخی از حقوق بنیادین پیش بینی شده در این کنوانسیون‌ها را صرفاً شناسایی کرده‌اند، بدون اینکه به آنها در حقوق داخلی تاثیر واقعی ببخشند. در نهایت نیز وجود تمایز پیرامون برخی مفاهیم، چالش‌های بسیاری را به همراه داشته است. به عنوان مثال *جاوید رحمان* به تمایز مفهوم کودک در حقوق بین‌الملل^۶ و شریعت اشاره می‌کند و تشتت آراء دولت‌های اسلامی در این زمینه را بیان می‌دارد.

۳.۲ حقوق کودک و چالش جهان اسلام؛ کاربرد کفاله، ازدواج کودکان و خيار بلوغ

در بخش سوم تحت عنوان حقوق کودک و چالش‌های جهان اسلام، ادعای اصلی نویسنده مشخص می‌شود؛ بدین صورت که اجرای سختگیرانه و غیرقابل انعطاف قواعد شریعت نه تنها مفاد کنوانسیون حقوق کودک را نقض می‌کند، بلکه به شدت برای اصول بنیادینی که برای تضمین رفاه کودکان در چهارچوب حقوق داخلی تنظیم شده است، زیان‌آور است (Rehman, 2015: 157). نویسنده به منظور روشن شدن این مسئله دو نمونه از اصطکاک‌های میان کنوانسیون حقوق کودک و نظام حقوق اسلامی را بیان می‌کند. به این ترتیب دکتر رحمان ابتدا قواعد حاکم بر ازدواج کودکان در نظام حقوقی اسلامی را طرح کرده و در ذیل آن اصطلاح خيار البلوغ (Option of Puberty) را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ پس از آن به سراغ مفهوم کفالت رفته و چالش‌های حقوقی آن در نسبت با کنوانسیون حقوق کودک را مورد بررسی قرار می‌دهد. به اعتقاد این نویسنده تعارضات موجود میان حقوق بین‌الملل و حقوق اسلامی در هر دو مورد فوق‌الذکر پیامدهای حقوقی جدی را در سطح فراملی به وجود آورده است.

۴.۲ درک انعطاف‌پذیری شرع و روند اصلاحات در اعمال کشورهای اسلامی: جمع بندی

در بخش پایانی و جمع بندی مطالب، دکتر جاوید رحمان بیان می‌دارد که دولت‌های تابع نظام حقوقی اسلام (شریعت) هرگز نمی‌توانند با ابتنای به شریعت، مدعی حمایت از حقوق کودک در جوامع مدرن باشند. البته مشکل چندان به اعمال شرع در چهارچوب حقوق مدرن داخلی مربوط نمی‌شود، بلکه از تفسیر و اصلاحات مستمر در درون سنت‌های حقوق اسلامی برمی‌آید. قوانینی که ازدواج کودکان را تأیید می‌کنند (یا براساس آن ازدواج کودک یا صغیر باید با اجازه پدر یا سرپرست صورت گیرد) و براساس سن بلوغ اجرا می‌شود، نشان دهنده بخش‌های قدیمی و مهجور سنت‌های قبیله‌ای و بومی است. این سنت‌ها همچنان وجود دارد و مانع از اعمال اصلاحاتی است که براساس شریعت یا قوانین حقوق بشر مدرن پیش‌بینی شده است (Rehman, 2015: 165-166).

ضرورت تفسیر اجتماعی از نصوص شریعت ... (محمد مقدمی و دیگران) ۴۷۳

در این خصوص مثال‌های قابل توجهی در سنت‌های اسلامی وجود دارد که ویژگی‌های مثبت و انعطاف‌پذیری را در قواعد حقوق اسلامی ایجاد کرده است که در صورت اجراء، رشد و توسعه اصول و قواعد شرعی در مدت زمانی معین، بی شک تمام رفتارهای تبعیض آمیز از حقوق اسلام برانداخته شده و با هنجارهای در حال تحول حقوق کودکان و برابری جنسیتی توأمان خواهد شد.

۵.۲ اندیشه دکتر جاوید رحمان

مبتنی بر آنچه تا کنون بیان شد، دکتر جاوید رحمان با بیان مصادیقی از حقوق کودک مدعی وجود ظرفیت‌های ارزشمندی در شریعت است که این ظرفیت‌ها قابلیت انعطاف و سازگاری با کنوانسیون‌های بین‌المللی و به طور خاص کنوانسیون‌های حقوق بشری را برای شریعت فراهم کرده است. این در صورتی است که دولت‌های اسلامی که مدعی پیاده سازی شریعت در حقوق داخلی خود هستند، از چنین ظرفیت‌هایی غافل بوده و به موجب همین غفلت موجب بروز بسیاری از چالش‌های حقوقی و به طور خاص حقوق بشری در سطح ملی و بین‌المللی شده‌اند.

در حقیقت او به تمایز میان قواعد شریعت و حقوق بین‌الملل اذعان دارد؛ اما معتقد است دولت‌های اسلامی باید خود را معتقد به تفسیری از اسلام بدانند که قواعد اسلامی را با قواعد حقوق بشری رایج تطبیق داده و سازگار می‌کند. به این ترتیب دولت‌های اسلامی باید رویکرد اصلاحی نسبت به قواعد شریعت اتخاذ کرده و به منظور حفظ و رعایت حقوق بشر از مطلق‌گرایی و رعایت سختگیرانه قواعد اسلامی بپرهیزند.

۳. بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان

انطباق‌پذیری قواعد شریعت (که به اختصار فقه نامیده می‌شود) با اقتضائات و نیازهای زمانه، دغدغه همه فقها و اندیشمندان اسلامی از آغاز شکل‌گیری و تدوین قواعد شریعت و استنباط احکام فقهی بوده است (شافعی، ۱۹۴۰م: ۸۸-۸۶). در این زمینه فقهای اهل سنت در شکل‌گیری این مناقشه‌ها پیشگام بودند؛ چرا که پس از رحلت پیامبر اعظم اسلام (ص) و انسداد وحی و ابلاغ تعالیم الهی (بر مبنای آموزه‌های کلامی آنان)، ناچار شدند تا به

وسیله اجتهاد، به مسائل روزمره فقهی خود پاسخ دهند. به تبع، چالش‌های مربوط به تطبیق قواعد شریعت بر نیازهای زمانه برای آنان، زودتر تجلی یافته است (شاطبی، ۱۹۹۷م: ۱۹-۱۲). اما مذهب امامیه به دلیل پذیرش مقام امامت به عنوان قائم مقام نبوت در تعلیم آموزه‌های الهی، دیرتر اجتهاد را آغاز کرده و چالش مزبور، دیرتر بر آنان نمود یافته است (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۰ و ۲۱).

در پاسخ به سوال اصلی این نوشتار، اندیشمندان اسلامی در دو مکتب امامیه و عامه به دو دسته تفکیک شدند. گروهی از اندیشمندان که رویکرد سلفی و حدیثی داشتند، امکان تطبیق قواعد شریعت با مقتضیات زمان را به نحو محدود عملی می‌دانستند و به دلیل انسداد باب اجتهاد به نص و تأویل، عملاً این تطبیق را نمی‌پذیرفتند.^۷ اما در رویکرد مقابل، بسیاری از فقها و اندیشمندان اسلامی با توسعه مبادی و مبانی اجتهادی، قائل به استنباط احکام شرعی وفق مقتضیات زمان و تطبیق قواعد شرعی بر نیازهای زمانه بودند. در میان مذاهب فقهی اهل سنت، مکتب امام مالک بن انس به دلیل رویکرد عقل‌گرایانه به احکام شرعی، در این رویکرد پیشرو بوده است. به جرئت می‌توان گفت دکتر احمد ال‌ریسونی، فقیه و اندیشمند معاصر مراکشی، با تدوین کتاب ارزشمند «نظریه المقاصد عند الإمام الشاطبی»، نقش مؤثری در پیشبرد میراث عظیم فقهی اهل سنت و تأثیرگذاری بر مکتب فقهی شیعی داشته است. در میان اندیشمندان شیعی نیز نباید از دیدگاه‌های ارزشمند فقهایی نظیر محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) غافل بود که در دوران اخیر با توسعه مشی اجتهادی در استنباط احکام شرعی که به «فقه جواهری» نیز مشهور گردید، مکتب فقه اجتهادی امامیه را توسعه بخشید.

با این وجود، به دلیل دیدگاه موجود در پژوهش دکتر جاوید رحمان لازم است، دیدگاه‌های آن دسته از فقهایی که قائل به رویکرد انطباقی قواعد شریعت بر نیازها و مقتضیات نظام اجتماعی معاصر بودند، شرح و تفصیل یابد تا بر این اساس، ابزارهای لازم برای نقد اندیشه جاوید رحمان فراهم شود. از این رو، در ادامه آراء و اندیشه‌های تعدادی از فقهای اسلامی شناخته شده و نظریه‌پرداز معاصر در این رویکرد واکاوی خواهد شد.

۱.۳ احمد ریسونی

احمد ریسونی، عضو هیئت رئیسه و مدیر اتحادیه جهانی علمای اسلامی، فقیه مالکی مذهب و اندیشمند اصولی معاصر است که آثار فقهی وی در حوزه اجتهاد و فقه مسائل مستحدثه، مورد توجه گروه‌های علمی مطالعات اسلامی قرار دارد. نظریه وی در باب انطباق قواعد شریعت با مقتضیات نظام اجتماعی و کنش‌های سیاسی دولت اسلامی به «نظریه مقاصد الشریعه» معروف است. از منظر ریسونی «مقاصد شریعت» عبارت است از: «معانی، غایت‌ها، آثار و پیامدهایی که به خطاب شارع و تکلیف شرعی تعلق می‌گیرد و از مکلفان خواسته می‌شود که به آن نایل یابند» (ریسونی، ۲۰۱۰م: ۷). با عنایت به این تعریف، آنچه بر مکلفان لازم و فرض محسوب می‌شود، کشف مقاصد شارع از شریعت است.

اما مقاصد شارع از شریعت را در دو لایه می‌توان استدرک کرد؛ نخست مقاصد خطاب شارع، که عبارت است از استنباط حکم شرعی از منابع استنباط بیانی شرعی (قرآن و روایت)، به نحوی که بتوان از بیان شرعی، قصد خطاب را برداشت کرد (ریسونی، ۲۰۱۰م: ۹). برای این منظور، علم اصول فقه و منطق، کارآمدی لازم را در پی خواهد آورد؛ اما در لایه دوم، مقاصد حکم شرعی است که کشف این مقصد و معیار قرار دادن آن، بعضاً از سوی فقهای اسلامی محل تردید قرار گرفته است. نقطه ثقل نظریه ریسونی بر این لایه از مقاصد استوار است. از نظر وی، مقاصد حکم شرعی، «آثار و پیامدهای مورد انتظار فراتر از ادای احکام شرعی» است که از آن‌ها تحت عنوان «مقاصد الشریعه» یاد می‌کند (ریسونی، ۲۰۱۰م: ۱۲).

اگر چه هر یک از احکام شرعی معلل به یک غایتی است؛ اما ریسونی غایت و مقصد عام و نهایی کلیه احکام شرعی را در «جلب مصلحت و درء مفسده» خلاصه می‌کند و مبتنی بر ادله شرعی، وجود چنین غایتی را برای کلیه احکام شرعی به اثبات می‌رساند (ریسونی، ۲۰۱۰م: ۷۹ - ۷۷). شاطبی در الموافقات، مصلحت و مفسده را قائم به زندگی دنیایی و اخروی انسان می‌داند (شاطبی، ۱۹۹۷م: ۴۴). مبتنی بر این رویکرد، مصلحت آن چیزی است که به زندگی و معیشت انسان باز می‌گردد و کسب آن منوط به تحمل رنج و مشقت و تکلیف است. همچنین مفسده نیز آن چیزی است که وجود آن زندگی و معیشت دنیایی را از حیث خوراک، پوشاک، نوشیدنی، مسکن، عبادت، مساعدت به دیگران و نظیر

این‌ها، تباه می‌سازد و حذف مفسده نیز منوط به تحمل مشقت و درد است (شاطبی، ۱۹۹۷م: ۶۳).

ریسونی در اثر دیگر خود که به تفصیل مقاصد الشریعۀ را تبیین می‌کند، او شاکله احکام اسلامی را از سه حیث ضرورت‌ها، نیازمندی‌ها و تحسینات دسته‌بندی می‌نماید. شاطبی این سه جهت را مقاصد شریعت نامیده و از طریق استقرای علل احکام شرعی و دسته‌بندی آن‌ها، حکم شرعی را در یکی از این جهات مورد بررسی قرار می‌دهد (شاطبی، ۱۹۹۷م: ۳۶).

از منظر ریسونی مصالح ضرورت‌مدار (ضروریات) به آن دسته از مصالحی اطلاق می‌شود که قصد اصلی و غایی وجود شریعت، حفظ و پاسداری از آن‌ها است؛ به طوری که سعادت دنیایی و اخروی انسان‌ها منوط به حفظ این مصالح است و اخلال در این مصالح، موجب اخلال در نظام اجتماعی انسان‌ها خواهد شد. اما مصالح نیازمدار (حاجیات) به آن دسته از مصالحی اطلاق می‌شود که اگر در زندگی و نظام اجتماعی رعایت شود، مشقت و سختی از انسان‌ها رفع خواهد شد، با این حال، عدم تأمین این مصالح، موجب اخلال نیست. احکام مربوط به معاملات، نکاح و اباحه قراردادهای غیر مغایر با شریعت، مصادق بارز حاجیات است؛ اما پاره‌ای از مصالح هستند که عدم وجود آنان موجب دشواری و مشقت نیست، ولی تأمین این مصالح زندگی انسان‌ها را بهتر و نظام اجتماعی را مترقی و پویاتر خواهد ساخت. به عنوان مثال، استفاده از انگشتر، آداب نظافت و بهداشت و توصیه به خواندن ادعیه، از مصادیق بارز این مصالح است. ریسونی این دسته از مصالح را مصالح تحسینی (تحسینات) می‌گویند (طباطبائی حکیم، ۱۹۷۹م: ۳۸۳ و ۳۸۴).

امام محمد غزالی، فقیه بزرگ اهل سنت، برای نخستین بار در تاریخ اجتهاد اهل سنت، مصالح ضروری را که اساس و بنیاد احکام تکلیفی عزائم، احکام وضعی پرداخت دیه و قصاص و مجازات‌های شرعی اسلامی است، در پنج مصلحت دین (امت)، نفس، نسل، عقل و مال معرفی کرد (غزالی، ۱۹۹۳م: ۱۷۴).

ریسونی پس از بیان منابع استدلالی در خصوص تثبیت نظر امام غزالی، بیان می‌کند که کلیه احکام و قواعد شریعت ریشه‌حتمی در بخش حاجیات و تحسینات - در این مصالح ضروری پنجگانه دارد، اما در مقابل، قواعد شریعت و احکام شرعی استنباط شده نیز باید در راستای تأمین این مصالح پنجگانه باشد (ریسونی، ۱۹۹۲م: ۱۶۰-۱۵۲). ریسونی این نکته را

متذکر می‌شود که مجتهد در مقام استنباط احکام شرعی از ادله و منابع شریعت، مکلف است که استنباط را در چارچوب فهم و استدراک از مقاصد شریعت به عمل آورد (ریسونی، ۱۹۹۲م: ۳۲۶). او غایت کلی احکام را که جلب مصلحت و دفع مفسده می‌داند، بر چارچوب استنباط حاکم می‌کند و بر مجتهد فرض می‌داند که استنباط حکم را مبتنی بر این غایت سامان دهد. از این رو، از منظر ریسونی باب مصالح مرسله در اصول استنباط قابل توجیه بوده و رعایت مصلحت و دفع فساد، اصل خدشه‌ناپذیر اسلام است که بر هر حکم اولیه قابل ترجیح است (ریسونی، ۱۹۹۲م: ۳۵۳-۳۴۷).

در جمع‌بندی اندیشه دکتر ریسونی باید به این نکته اشاره کرد که بنابر نظر او، مصالح ضروری را نباید صرفاً منحصر در همان پنج ارزشی دانست که فقهای اسلامی احصا کرده‌اند؛ چرا که این انحصار مغایر با مشی اجتهادی همان فقهایی است که از طریق اجتهاد به این پنج ارزش رسیده‌اند. اقتضای اجتهاد آن است که با استقرای ارزش‌های نوین نظام اجتماعی، مصالح ضروری توسعه یافته و احکام شرعی مبتنی بر مصالح ضروری حقیقی نظام اجتماعی، تنظیم شود (ریسونی، ۱۹۹۲م: ۳۵۸).

۲.۳ محمد باقر صدر

شهید محمد باقر صدر یکی از معدود اندیشمندان اسلامی است که پژوهش‌های او در حوزه‌های متعدد مطالعات اسلامی، همچنان محل رجوع اندیشمندان سایر کشورها و مذاهب مختلف قرار دارد (صدر، ۲۰۰۷م: ۳۰۱). تقریر وی از نظریه حق‌الطاعة در علم اصول یکی از بهترین تقریرهای اصولی بود که زمینه واکاوی پیامدهای دو رویکرد برائتی و احتیاطی را در استنباط حکم شرعی فراهم کرده است.

یکی از مهمترین نظریات او در زمینه قواعد شریعت که موجب شکل‌گیری مناقشه‌های جدید در مذهب امامیه گردید، نظریه قواعد شرعی ثابت و متغیر و دامنه آن در قلمرو منطقه الفراغ است. این موضع نظری شهید محمد باقر صدر در نقد و واکاوی نظر دکتر رحمان، حائز اهمیت است، به همین خاطر در این بخش از پژوهش، تلاش شده است تا تبیین دقیقی از این نظریه ارائه شود.

شهید صدر بحث خود را با پیگیری این دغدغه آغاز می‌کند که چگونه می‌توان در دوران معاصر به همراه پیچیدگی‌های فراوان در مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

حیات بشری، مشکلات نظام اجتماعی را براساس آموزه‌های اسلامی برطرف کرد (صدر، ۱۳۹۳: ۶۰-۵۹). به نظر می‌رسد پاسخ به این پرسش، دغدغه مشترک شهید صدر و جاوید رحمان باشد که هر یک، پاسخ‌های نسبتاً متفاوتی به این پرسش داده‌اند. شهید صدر در کتاب *اقتصادنا* هدف از تشریح قواعد شریعت را رفع نیازهای انسان در زندگی قلمداد می‌کند (صدر، ۱۳۸۵: ۶۸۲). او نیازهای انسان را به دو دسته نیازهای ثابت و نیازهای متغیر تقسیم می‌کند. نیازهای متغیر آن دسته از نیازهایی هستند که در گذر زمان تحول می‌یابند؛ اما در مقابل نیازهای ثابت، وابسته به بعد فطری مشترک میان همه انسان‌ها است که ثابت و بدون تغییر باقی می‌ماند (صدر، ۱۳۸۵: ۳۲۵-۳۲۴).

سرآغاز نظام اجتماعی با نیازهای انسانی شروع می‌شود و قواعد حاکم بر این نظام اجتماعی نیز باید حسب نیازهای ثابت و متغیر انسان، به دو دسته قواعد ثابت و متغیر دسته‌بندی شوند. محمد باقر صدر در بستر تحلیل نظام (مکتب) اقتصادی اسلام از رهگذر قواعد ثابت و متغیر حاکم بر ابزارها و نهادهای اقتصادی، به دنبال اثبات این گزاره کلی است که قواعد شریعت همسو با نیازهای انسان طراحی شده است و در طی زمان‌های متمادی پاسخگوی کلیه نیازهای انسانی خواهد بود. قواعد ثابت شریعت همواره پاسخگوی نیازهای انسان باقی می‌ماند. اما ویژگی این قواعد اشمال آنان بر موضوعات و احکام کلی است و این قابلیت را دارد که از طریق آن بتوان احکام متغیر برای نیازهای متغیر انسانی را استنباط کرد و از این طریق، قواعد شریعت را برای پاسخ به نیازهای متغیر انسان استخراج نمود (صدر، ۱۳۸۵: ۳۲۷).

شهید صدر برای فرایند استخراج احکام شرعی متناسب با نیازهای متغیر، سه لازمه را بیان می‌کند؛ نخست، باید آن دسته از عناصر ثابت را که احکام ثابت بدان تعلق دارد، استخراج کرد؛ دوم، چارچوب‌های عناصر ثابت را به نحوی طراحی کرد که نیازهای جامعه معاصر را بتوان در آن چارچوب تبیین کرد و در پایان، یک استدراک فقهی و حقوقی از صلاحیت‌های ولی فقیه به دست آورد که موجب انعطاف قواعد شرعی متغیر شود (صدر، ۱۳۹۳: ۶۱-۶۰). او چنین فرایندی را در راستای استخراج قواعد شرعی حاکم بر نظام اقتصادی دنبال می‌کند و به نتایجی نائل می‌گردد. اما بخشی از این فرایند را می‌توان نسبت به قواعد جنایی در نظام عدالت کیفری اسلام به کار گرفت که در این بخش از پژوهش به صورت مختصر بدان اشاره می‌شود.

شهید صدر تأکید می‌کند که در برخی از احکام ثابت که به موضوعات ثابت تعلق گرفته است، علت حکم در نفس حکم به صورت منصوص آورده شده است (صدر، ۱۳۹۳: ۶۵). به عنوان مثال، حکم حرمت ربا در قرآن کریم، معلول ظلم و شیوع بی‌عدالتی در میان انسان‌ها معرفی شده است. متناسب با تعلیل این آیه می‌توان در دوران معاصر، احکام برخی از اقسام ربا - برای معاملی، ربا تولید و ربا مصرفی - را حسب آنکه مصداق شیوع بی‌عدالتی در جامعه می‌شوند یا خیر، استنباط کرد (غفوری چرخابی، ۱۳۸۸: ۱۹۸-۱۹۶). علاوه بر احکام مشتمل بر گزاره‌های منصوص العله در فرمایشات معصومین (ع)، سیره آنان در امور حکومتی و قضایی، یک معیار قطعی و مناسب برای شناسایی نوع و استخراج احکام متغیر است.

شهید صدر این نکته را با مثال‌هایی از سیره معصومین (ع) در حوزه نظام اقتصادی شرح می‌دهد (صدر، ۱۳۹۳: ۷۰-۶۸)؛ اما برای آن که بتوان نمونه‌های مربوط به حقوق بشر و حقوق کیفری را مثال زد، باید به پژوهش‌های مشابه با رویکرد روش‌شناسانه شهید صدر رجوع کرد. در میان اندیشمندان شیعی معاصر به نظر می‌رسد محقق داماد از جمله فقهای است که از حیث مشرب فکری با شهید صدر همسویی داشته و تقریر او از نظریه منطقه الفراغ مشابه با تقریر شهید صدر است (محقق داماد، ۱۳۹۶: ۱۸)، ایشان در تبیین مجازات جرایم منافی عفت در قرآن کریم، با استناد به سیره حکومتی حضرت رسول اعظم (ص) و با عنایت به احکام کیفری اجرا شده از سوی ایشان و حضرت علی (ع) که مربوط به این دسته جرایم است و با تحلیل رجالی، روایی و محتوایی روایات موجود، به این نتیجه نائل می‌شوند که اجرای مجازات رجم برای پاره‌ای از جرایم منافی عفت (نظر مشهور فقهای امامیه) از اساس محل تردید است و وظیفه حاکم اسلامی آن است که با توجه به این سیره قضایی و حکومتی، چنین کیفری را از لیست قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران پاک کند (محقق داماد، ۱۳۹۶: ۲۱۹-۲۰۵).

همچنین از سوی دیگر، شهید صدر بر روی ارزش‌هایی تأکید دارد که از سوی نظام اجتماعی اسلام به عنوان ارزش‌های بنیادین شمرده شده‌اند. او عدالت اجتماعی را یکی از مهمترین ارزش‌های نظام اجتماعی می‌داند که آیات متعدد قرآن کریم بر اهمیت و شمولیت این ارزش تأکید داشته است. شهید صدر بیان می‌کند که این ارزش‌های عالی معیار تحدید

صلاحیت قلمرو ولی فقیه در منطقه الفراغ و معیار استنباط احکام متغیر در شریعت است (محقق داماد، ۱۳۹۶: ۶۷-۶۶).

۴. نقد نظریه جاوید رحمان

پس از بیان مختصری از اندیشه جاوید رحمان که در مقاله مشارالیه وی در این پژوهش متجلی بود، و همچنین ذکر اندیشه دو تن از اندیشمندان مسلمان (شیعی و اهل سنت) در باب مسئله تطبیق قواعد اصیل شریعت در مقتضیات جامعه مدرن، لازم است بار دیگر نگاه جاوید رحمان به مسئله انطباق و سازگاری قواعد شریعت بر مسائل حقوق بشر در جامعه تحول یافته کنونی مورد واکاوی و ارزیابی قرار گیرد.

پیش از آن، ضرورت دارد که این مبحث را به ریشه آغازین خود باز گرداند. علامه حلی در یکی از رساله‌های مختصر خود در باب کلام امامیه، سخن از نبوت و امامت افضل و اعلم انسان‌ها به میان می‌آورد و آن را یک لازمه عقلی برای نهاد نبوت و امامت بیان می‌کند. *فاضل مقداد* در شرح این عبارات، به دو مصلحت دنیایی و اخروی انسان‌ها اشاره می‌کند و فلسفه بعثت انبیا و استمرار راه آنان از سوی امامان معصوم (ع) را تأمین آن مصلحت بیان می‌کند. در ادامه او بیان می‌دارد که تأمین مصلحت دنیایی انسان‌ها و تا حدودی مصالح اخروی آنان، از طریق ایجاد یک زندگی (نظام) اجتماعی سامان یافته امکان‌پذیر است. برای ایجاد چنین سامان اجتماعی نیز باید قواعد حاکم بر جامعه به نحوی باشد که دادگری و قسط (عدالت اجتماعی) را میان انسان‌ها و روابط آنان حکمفرما سازد. پس قواعد ارائه شده از سوی انبیا و جانشینان آنان باید مبتنی بر تنظیم یک نظام عادلانه و در راستای سامان اجتماعی این نظام باشد و محتوای این قوانین نیز باید عادلانه باشد (علامه حلی، بیتا: ۱۳-۱۰). همچنین *علیزاده* با بررسی آثار و اقوال فقها و متکلمان اسلامی به این نتیجه رسیده است که هدف از جعل قواعد اسلامی برای انسان‌ها و تشریح، لزوم استقرار یک حاکمیت برای شهروندان آن است که با تجاوزگری به حقوق اشخاص مقابله شود، حقوق اشخاص به نحو کمال اعطا گردد و عدالت اجتماعی در جامعه حکمفرما شود (علیزاده، ۱۳۸۲: ۲۳۷).

با ذکر این مقدمه باید اذعان داشت که نگاه جاوید رحمان نسبت به احکام و قواعد شریعت از حیث کلامی هماهنگ با آن اصول تثبیت شده در کلام است که شریعت اسلامی

را به عنوان یک راهنمای ابدی برای بشریت و در راستای توسعه و پیشرفت جامعه انسانی معرفی می‌کند (Rehman, 2015: 155). اما او با ذکر برخی قواعد شریعت که منبعث از فتاوی فقهای اسلامی است، مقرر می‌کند که در رویه دولت‌های مدرن، چنین رویکرد غیر منعطف نسبت به احکام شریعت موجب بروز تراحم جدی میان اجرای قواعد شریعت و قواعد بنیادین حقوق بشر شده است.

از منظر او رویکرد تبعیض‌آمیز قواعد شریعت در خصوص دیه زنان، ثبوت حق قصاص در صورتی که مجنی‌علیه غیر مسلمان باشد، شرایط اجرای قصاص در جایی که مجنی‌علیه زن باشد، مصادیقی از قواعد جنایی در شریعت است که با درک اولیه و متداول از عدالت مغایر است و اصل برابری انسان‌ها از حیث نژاد، جنس، رنگ، مذهب و باور و عقیده را نفی می‌کند. همچنین برخی از قواعد شریعت نظیر عدم ثبوت قصاص پدر در قبال قتل فرزند، تجویز نکاح دختران زیر سن بلوغ از طریق نیابت پدر و سایر سرپرستان قانونی و شرعی و محدود بودن ابزارهای در دسترس زوجه برای خاتمه وضعیت نکاح، نمونه‌هایی از احکام شریعت است که با قواعد امروزی حقوق بشر مندرج در اسناد بین‌المللی و مورد اجماع جهانی، به خصوص حقوق کودکان و زنان، مغایر است.

اما این بیان دکتر رحمان که «مشروعیت نظام شریعت» به واسطه وجود چنین مثال‌هایی در حال تضعیف است^۱، محل تأمل جدی است. واقعیت آن است که شریعت بیانی اصیل و والا از جانب خداوند برای پیشبرد و سعادت جامعه بشری است که در زمان‌ها و مکان‌ها برای جوامع انسانی کارایی دارد. جنس شریعت از جنس آن دسته از قواعد کلی هنجاری است که در هر دوره زمانی و جغرافیای مکانی، فقها و اندیشمندان می‌توانند قواعد فرعی و جزئی را از میان این قواعد هنجاری کلی استخراج و به نیازهای زمانه پاسخ دهند. بنابراین، مغایرت برخی از احکام نظام حقوقی اسلامی با قواعد بنیادین حقوق بشر، به دلیل مغایرت قواعد هنجاری کلی شریعت با حقوق بشر نیست، بلکه اندیشمندان نظام حقوقی اسلام در تطبیق این قواعد کلی هنجاری با نیازها و مقتضیات جامعه کنونی بعضاً اهمال کرده و بر لزوم اجرای احکام فرعی گذشته اصرار دارند (صدر، ۱۳۸۵: ۶۷۳). از این رو نمی‌توان مشروعیت قواعد کلی هنجاری شریعت را متزلزل دانست.

به نظر می‌رسد محمد جواد معنیه با طرح مسئله «فهم اجتماعی نصوص شریعت»، به دنبال رفع معضلی است که به شکل مصداقی در قلمرو حقوق بشر، جاوید رحمان بدان

اشاره کرده بود (مغنیه، ۱۴۰۴ق: ۱۵-۱۳). شهید صدر با تأکید بر نقطه ثقل نظریه مغنیه بیان می‌دارد که اگر ایده فهم اجتماعی از نصوص شریعت میان صاحبان فتوا در مذاهب اسلامی تثبیت شده و به کار گرفته شود، بسیاری از چالش‌ها و گره‌های پیچیده حقوق اسلامی با مقتضیات جامعه مدرن و نیازهای نوین بشری قابل حل خواهد شد. از این رو، دغدغه مشترک آقای رحمان و برخی از فقهای اسلامی نظیر دو فقیه اشاره شده در بخش دوم این پژوهش، با توجه به ایده «فهم اجتماعی از نصوص شریعت» قابل پاسخگویی است. از این رهگذر، باید میان آن دسته از نصوصی که در مقام بیان یک حکم قضایی (Case Law) یا حکم عبادی مصداقی با آن دسته از گزاره‌های هنجاری شریعت که در مقام بیان قاعده عام هنجاری هستند، تمایز قائل شد.^۹ از سوی دیگر، هر یک از احکام شریعت را باید در بستر اجتماعی آن الزام وارد شده، تحلیل کرد و نمی‌توان حکم را به تنهایی و بدون توجه به لوازم صدور حکم، قابل تسری به هر دوره زمانی، جغرافیایی و مکانی دانست (صدر، ۱۳۸۵: ۳۲-۲۵). همچنین توجه به موضوع‌شناسی حکم در فرایند استنباط احکام شرعی، بسیار حائز اهمیت است. تا زمانی که موضوع قاعده هنجاری شریعت در مسائل مستحدثه احراز نشود، امکان تسری حکم قاعده کلی شریعت بدان میسر نیست و باید به عمومات شریعت برای تبیین حکم وضعیت آن مسئله تمسک شود. این مسئله به قدری حائز اهمیت است که می‌تواند در ایده فهم اجتماعی نصوص، بخش زیادی را به کار گیرد و بسیاری از ابهامات را بر طرف سازد (علیزاده، ۱۳۸۲: ۲۶۷-۲۶۶).

به نظر می‌رسد که پیشنهاد جاوید رحمان برای دنبال کردن یک رویکرد انعطاف‌پذیر به قواعد شریعت برای سازگار کردن احکام شرعی با قواعد حقوق بشر، کمی مبهم به نظر می‌رسد؛ اما با استفاده از نظریات ارزشمند فقهای اسلامی در راستای انطباق احکام هنجاری شریعت بر نیازهای جامعه انسانی، نظیر نظریه مقاصد و نظریه منطقه‌الفراغ، می‌توان بخش زیادی از این انطباق را با رعایت اصول انسانی انجام داد. با این حال، جای خالی یک نظریه جامع در باب تفسیر اجتماعی نصوص شریعت احساس می‌شود. پژوهش‌های مصداقی و تحلیل‌های مبتنی بر رویه از سوی برخی نویسندگان نظیر آقای جاوید رحمان، این احساس نیاز را برجسته می‌سازد و زمینه را برای آغاز پژوهش‌های مفهومی هنجارمند در راستای ترسیم یک چارچوب نظری مطلوب در باب تفسیر اجتماعی نصوص شریعت فراهم می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

با گذشت قرن‌ها از آغاز پیدایش اندیشه اسلامی، همچنان سامان دقیقی از مسئله سازگاری قواعد شریعت با مقتضیات اجتماعی جامعه مدرن ارائه نشده است. اگر چه در ادبیات فقهی قدمای فقه‌های اسلامی تا معاصران ایشان، آثار و گفتارهای متعددی وجود دارد - که در بخش‌هایی از قسمت دوم پژوهش بدان اشاره شد - اما عملاً واقع‌گرایی نتوانست در جایگاه آرمان‌گرایی فقه‌های اسلامی قرار گیرد. اما بدن تردید میراث اندیشه نظری فقه‌ها و متفکران اسلامی چراغ راهنمایی برای پژوهشگران معاصر است تا مسئله‌ای را که فقه‌های سابق به نحو نظری سعی در حل آن داشتند، در دوران معاصر و با وجود شکل‌گیری گسترده نظام‌های حقوق اسلامی معاصر به صورت رسمی یا اختیاری، کاربست عملی آن را به شکل مطلوب تحقق بخشند.

شریعت اسلام با ادعای سازگارپذیری در کلیه ابعاد زمانی و مکانی و با این ادعا که توان مدیریت جامعه اسلامی را در هر زمانی دارد، نیازمند طراحی سازوکارهای نظارتی و تقنینی دقیق برای تطبیق قواعد کلی خود با ضرورت‌ها و نیازهای جدید است و باید خود را مبتنی بر آن سازوکارها با اقتضات زمانی سازگار نماید. با وجود همه تلاش‌های نظری که برای تدوین یک فرایند عینی برای انطباق قواعد شریعت بر نیازهای زمان انجام شده است، به نظر می‌رسد همچنان ابهامات زیادی در این قلمرو وجود دارد که مستلزم بررسی دقیق‌تری است. بخش‌های زیادی از مقاله دکتر جاوید رحمان در راستای بیان این ضرورت بود، بی‌آنکه تجویز دقیق و عینی برای آن پیشنهاد شود. اگر چه اندیشمندان معاصر در خصوص موضوعات جزئی و احکام مصداقی شریعت و سازگارپذیری این احکام با رویه دولت‌های مدرن، قرائت‌های جدیدی بر جای گذاشته‌اند، اما این تلاش‌ها تا زمانی که به یک نظام فکری و الگوی رویه‌ای منسجم منجر نشود، نمی‌توانند ادعای شمولیت قواعد شریعت را در عمل نشان دهند.

تلاش‌های اندیشمندان معاصری چون صدر، ریسونی، سید قطب، مطهری و رشید رضا برای تدوین یک مدل جامع برای تقریر قواعد کلی شریعت و انطباق‌پذیر با نیازهای زمان و پاسخگو به نیازهای معاصر، از این جهت حائز اهمیت است که آنان به جای پرداختن به مسائل مصداقی چون سن تکلیف، قصاص نوجوانان و نکاح دختران، به دنبال استخراج یک مدل جامع مبتنی بر ارزش یا مصالح خمسه یا مدلی مبتنی بر نیازهای ثابت و متغیر در بستر

نظریه منطقه الفراغ و نظیر چنین مدل‌هایی بودند تا از این رهگذر بتوانند کلیه موضوعات جدید و نیازهای نوین عصر حاضر را بر اساس این مدل و در بستر قواعد کلی شریعت، پاسخ دهند.

به نظر می‌رسد دکتر رحمان می‌بایست به جای آنکه به صورت مصداقی به موضوعات انطباق‌پذیری و نقد فرایند سازگاری شریعت با نیازهای مدرن و مقتضیات دولت مدرن بپردازد، به دنبال کشف یک الگوی جامع از سازگارسازی و تطبیق قواعد شریعت بر نیازهای زمانه باشد. از این رو، پیشنهاد می‌شود که قرائت قواعد شریعت با یک رویکرد اجتماعی آغاز گردد تا از این مسیر، فهم نصوص شریعت و قواعد کلی آن، متناسب با زمینه‌های اجتماعی و نیازهای زمانه، به عمل آید.

پی‌نوشت‌ها

1. A/RES/76/178, General Assembly Resolution on Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, 16 December 2021.
2. Religion, human rights law and the rights of the child: complexities in applying the Sharia in modern state practices.
3. Religion, human rights law and the rights of the child: complexities in applying the Sharia in modern state practices.
4. Brunel University London
5. Case of Refah Partisi (the Welfare Party) and others v Turkey, the judgment of 13 February 2003 App. Nos 41340/98, 41342/98, 41343/98, and 41344/98, para. 123.
6. Article 1: For the purposes of the present Convention, a child means every human being below the age of eighteen years unless, under the law applicable to the child, the majority is attained earlier.
۷. در میان فقهای شیعه، ملا امین استرآبادی با ذکر ادله موافقین و نقد آن و همچنین ادله شرعی، قائل به این نظریه بودند. (ر.ک به: استرآبادی، محمد امین، الفوائد المدنیة، ط ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۲۶ ه.ق.، صص ۳۶۶-۳۷۰). در میان مکتب فقهی اهل سنت، بنیان‌گذار این مشرب فکری را باید به مذهب فقهی امام احمد بن حنبل منسوب دانست که در پنج قرن بعد از سوی ابن تیمیه حنبلی تحت عنوان سلفی‌گری توسعه یافت (ر.ک به: ابن

ضرورت تفسیر اجتماعی از نصوص شریعت ... (محمد مقدمی و دیگران) ۴۸۵

تیمیہ حنبلی، احمد، مقدمه فی أصول التفسیر، بیروت: دار المکتبه الحیاء، ۱۹۸۰ م، صص ۵۰-۵۳.

8. Rehman, Javaid, "Religion, human rights law and the rights of the child: complexities in applying the Sharia in modern state practices", *Northern Ireland Legal Quarterly*, Vol. 62 No. 2, Summer 2011, pp. 165.

۹. به عنوان مثال، حرمت قتل عمدی نفس یک قاعده کلی در شریعت است و حکم اولیه در صورت استیفای اولیا دم قصاص می باشند. به عبارت دیگر، قصاص دائر مدار عامدانہ بودن جنایت است. اما همین حکم در برخی موارد مصداقی، نظیر جایی که قاتل پدر مجنی علیه باشد، دستخوش تغییر می شود. چرا که در قالب پرونده های قضایی ارائه شده عنصر عمد مخدوش است و لذا پیامبر اکرم در مقام قضاوت حکم به پرداخت دیه داده اند. اما نمی توان از این حکم مصداقی قاعده کلی عدم ثبوت قصاص در جایی که پدر قاتل فرزند خویش است استنباط کرد.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن تیمیہ حنبلی، احمد. (۱۹۸۰م)، مقدمه فی أصول التفسیر، بیروت: دار المکتبه الحیاء. استرآبادی، محمد امین. (۱۴۲۶ ه.ق)، الفوائد المدنیة، ط ۲، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.

ریسونی، احمد. (۲۰۱۰ م)، مدخل إلى مقاصد الشریعة، ط ۱، قاهره: دار الکلمة للنشر و التوزیع. ریسونی، احمد. (۱۹۹۲م) نظریة المقاصد عند الإمام الشاطبی، ط ۲، قاهره: الدار العالمیة للکتاب الإسلامی.

شاطبی، ابراهیم بن موسی. (۱۹۹۷م)، الموافقات، ط ۱، قاهره: دار ابن عفان. شافعی، محمد بن ادريس. (۱۹۴۰م)، الرسالة، تحقیق احمد شاکر، ط ۱، قاهره، مکتبه الحلبي. صدر، محمد باقر. (۱۳۹۳)، اسلام راهبر زندگی، ترجمه مهدی زندیه، چ ۱، قم: دار الصدر. صدر، محمد باقر. (۱۳۸۵) اقتصادنا، ط ۱، قم: بوستان کتاب.

طباطبایی حکیم، سید محمد تقی. (۱۹۷۹م)، الأصول العامة للفقہ المقارن؛ مدخل إلى دراسة الفقه المقارن، ط ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام للطباعة و النشر.

عاملی، احمد عبدالله، محمد باقر صدر. (۲۰۰۷ م)، السيرة و المسيرة فی حقائق و الوثائق، ط ۱، بیروت: مؤسسه العارف للمطبوعات.

علامه حلی، حسن بن یوسف (بی تا)، باب حادی عشر، شرح مقداد بن عبدالله سیوری (فاضل مقداد)، مشهد، مؤسسه انتشارات و چاپ آستان قدس رضوی.

علیزاده، عبدالرضا. (۱۳۸۲)، مبانی رویکرد اجتماعی به حقوق، چ ۲، تهران: سمت.

غزالی، ابو حامد محمد بن محمد. (۱۹۹۳م)، المستصفی من علم الاصول، تحقیق محمد عبدالسلام عبد الشافی، ط ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة.

غفوری چرخابی، حسین، «بررسی آیات ربا و احکام آن»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال دوم، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۱۸۳-۲۱۴.

محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۶)، فقه استدلالی جزایی تطبیقی، چ ۱، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹)، آشنایی با قرآن، تهران: صدرا.

مغنیه، محمد جواد. (۱۴۰۴ ه.ق)، فقه الامام جعفر الصادق، ط ۵، بیروت: دارالجواد.

Refah Partisi (the Welfare Party) and others v Turkey, judgment of 13 February 2003 App. Nos 41340/98, 41342/98, 41343/98 and 41344/98.

Rehman, Javaid, "Religion, human rights law and the rights of the child: complexities in applying the Sharia in modern state practices", *Northern Ireland Legal Quarterly*, Vol. 62 No. 2, summer 2011, pp. 153- 166.

A/RES/76/178, general assembly's resolution on Situation of human rights in the Islamic Republic of Iran, 16 December 2021.

Convention on the Rights of the Child, entry into force 2 September 1990.